



درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله اراکی رحمته الله علیه «جلسه ۶۳»

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

بحث در معیار استحقاق بود و گفتیم دو نوع استحقاق وجود دارد: استحقاق عام و استحقاق خاص. و بیان کردیم که استحقاق خاص خود بر چهار قسم است: ارث، نتیجه العمل، مزد عمل و ضمان که ضمان نیز خود بر دو نوع است: ضمان ید و ضمان اتلاف.

استحقاق های خاص مورد بحث ما نیست؛ گرچه در جامعه اسلامی تأمین آنها نیز لازم است؛ لکن موارد استحقاق خاص معین شده است و معلوم است چه کسی چه حقی دارد و آنها توسط قوه قضاییه و نیروهای انتظامی باید تأمین شوند و اگر کسی ارثی برد و ارثش را ندادند، باید از طریق قوه قضائیه و نیروی انتظامی که مأمور اجرای احکام قوه قضاییه است اقدام کند و حقش را بگیرد.

بحث ما در استحقاق عام است و بیان کردیم که چند نوع دارد:

اولین نوع از استحقاق عام، اراضی است که ملک همه مسلمین است: مثل اراضی مفتوحه عنوه که در زمان فتح عامره بودند که اینها ملک مسلمین است و دولت درآمد این اراضی را باید بالسویّه تقسیم کند و «نیاز» دخالتی در این تقسیم ندارد و نیازمند و بی نیاز به طور مساوی از درآمد این اراضی سهم می برند و درآمد این زمین ها به این صورت است که دولت آنها را به کسی می دهد تا در آن زمین ها کار کند و اجاره و خراج پرداخت کند و به عبارت دیگر دولت زمین ها را «تقبیل» می کند تا مردم روی آنها کار کنند و «قباله» هم از همین جا گرفته شده است.

روایات در این خصوص فراوان است که برای نمونه به چند مورد اشاره می کنیم:

- مرحوم مفید روایتی را به صورت مرسل نقل می کند؛ لکن چون به همین مضمون روایت دیگری وجود دارد، لذا مضمون این روایت قابل اعتماد است:

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ قَالَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ خَرَاجِ أَهْلِ الذِّمَّةِ وَجَزْيَتِهِمْ إِذَا أَذَوْهَا مِنْ ثَمَنِ خُمُورِهِمْ وَخَنَازِيرِهِمْ وَمَيْتَتِهِمْ أَيْحِلُّ لِلْإِمَامِ أَنْ يَأْخُذَهَا وَيَطِيبُ ذَلِكَ لِلْمُسْلِمِينَ - فَقَالَ ذَلِكَ لِلْإِمَامِ وَالْمُسْلِمِينَ حَلَالٌ وَهِيَ عَلَى أَهْلِ الذِّمَّةِ حَرَامٌ وَهُمْ الْمُحْتَمِلُونَ لِوُزُرِهِ<sup>۱</sup>.

• روایت دوم که صحیح است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبِي بَرْدَةَ بْنِ رَجَاءٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع كَيْفَ تَرَى فِي شِرَاءِ أَرْضِ الْخَرَاجِ قَالَ وَمَنْ يَبِيعُ ذَلِكَ هِيَ أَرْضُ الْمُسْلِمِينَ قَالَ قُلْتُ: يَبِيعُهَا الَّذِي هِيَ فِي يَدِهِ قَالَ وَيَصْنَعُ بِخَرَاجِ الْمُسْلِمِينَ مَا ذَا ثَمَّرَ قَالَ لَا بَأْسَ اشْتَرَى حَقَّهُ مِنْهَا وَيُحَوِّلُ حَقَّ الْمُسْلِمِينَ عَلَيْهِ وَلَعَلَّهُ يَكُونُ أَقْوَى عَلَيْهَا وَأَمْلَأَ بِخَرَاجِهِمْ مِنْهُ<sup>۲</sup>.

• روایت دیگر:

وَإِسْنَادُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ قَالَ: ذَكَرْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا ع الْخَرَاجَ وَمَا سَارِبُهُ أَهْلُ بَيْتِهِ فَقَالَ الْعُشْرُ وَنِصْفُ الْعُشْرِ عَلَى مَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا تَرَكْتُ أَرْضَهُ فِي يَدِهِ وَأَخَذَ مِنْهُ الْعُشْرُ وَنِصْفُ الْعُشْرِ فِيمَا عَمَرَ مِنْهَا وَمَا لَمْ يَعْمُرْ مِنْهَا أَخَذَهُ الْوَالِي فَقَبْلَهُ مِمَّنْ يَعْمُرُهُ وَكَانَ لِلْمُسْلِمِينَ<sup>۳</sup>.

اینها که گفتیم در خصوص اراضی خراج بود یعنی اراضی که مفتوحه عنوه هستند اما اراضی که با جنگ به کشور اسلامی نپیوستند؛ بلکه اهلش، خودشان مسلمان شدند، اهل آن اراضی، مالک آن زمین هایی هستند که آنها را احیاء کرده اند.

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص: ۱۵۵.

۲. همان.

۳. همان، ص: ۱۵۹.

اما اراضی موات کلاً ملک خدا و رسول ﷺ و در اختیار دولت اسلامی است و دولت هزینه‌های خود را از این اراضی تأمین می‌کند و اگر درآمد این زمین بیشتر از هزینه‌های دولت بود، اضافه آن باید قسم بالسویه شود؛ به دلیل روایات زیادی که قبلاً خواندیم که یکی از وظایف حاکم، قسم بالسویه است؛ زیرا در اینجا تقسیم بر اساس استحقاق است؛ نه نیاز.

پایان